

چگونه شعارهای "ضد آمریکایی" در خدمت فروش سلاح های آمریکایی قرار می گیرند!

انقلابی و مبارز، از ایجاد تسهیلات هر چه بیشتر برای امپریالیست ها جهت استمرار غارت نفت و دیگر منابع طبیعی بسیار سود آور ایران گرفته تا کمک به پیشبرد تمامی برنامه های اقتصادی ضد خلقی دولتها و موسسات مالی امپریالیستی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، از تحریک و برپا کردن آتش خانمانسوز ۸ سال جنگ امپریالیستی و ارتجاعی با عراق گرفته تا سرکوب جنبشهای آزادیخواهانه ملی خلقهای ترکمن و کرد و بلوچ و عرب و ترک، از ایفای نقش "بهشت بنیاد گرایی اسلامی" (بخوان ابزار توسعه سلطه امپریالیسم) در خاورمیانه گرفته تا نقش آفرینی های ضد انقلابی به نفع ماشین جنگی امپریالیستها در افغانستان و عراق و لبنان و فلسطین بر علیه کارگران و زحمتکشان این کشورها، تا آنجا که در تمامی این سالها جمهوری اسلامی به مثابه یکی از مهمترین پایگاه های ضد کمونیستی و ضد انقلابی برای امپریالیسم در منطقه نقش ایفا نموده و ابزاری برای توجیه تجاوزکارانه ترین و ارتجاعی ترین سیاستهای غارتگرانه و جنگ طلبانه امپریالیسم جهانی و در راس آنها دولت آمریکا بوده است.

ست که همانطور که اسناد و مدارک منتشر شده غیر قابل انکار نشان می دهند با توافق امپریالیستها و بر بستر بحران اقتصادی سالهای ۵۶-۵۷ برای حفظ قدرت امپریالیسم در ایران و برای سرکوب جنبش انقلابی توده ها بجای رژیم وابسته شاه بر اریکه قدرت نشست. این رژیم در تمام طول حاکمیت ضد خلقی خویش از حمایت های آشکار و پنهان امپریالیستهای جهانخوار برخوردار بوده و در هر مرحله بحرانی ای از حیاتش نهایتا با کمک آنها از آماج خشم توده ها در امان مانده و به حیات انگلی خود تا به امروز ادامه داده است. نگاهی گذرا به سیاستهای جمهوری اسلامی که همواره با لفافه مذهب و ارتجاعی ترین قوانین اسلامی تزیین شده، نشان می دهد که این رژیم برغم تمامی شعارهای پوچ و بی محتوای ضد امپریالیستی، در تمام عرصه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی آنچه انجام داده، اساسا پاسداری از مناسبات گنبدیده سرمایه داری و حفظ و گسترش سلطه سرمایه داران جهانی چه در ایران و چه در سطح منطقه بوده است. از سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی مردم مبارز ایران در سال ۵۷ بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه گرفته تا قلع و قمع کمونیستها و تمامی سازمانهای

همه می دانند که امروز در شرایطی بسر می بریم که بحران اقتصادی کم سابقه ای نظام سرمایه داری جهانی را در بر گرفته است و موج جدیدی از خشم و مبارزات کارگران و خلقهای تحت ستم بر علیه این نظام در حال شکل گیری است. از سوی دیگر امپریالیستها برای حفظ نظام اقتصادی بیمار خود و تشدید عارت و چاپیدن توده های تحت ستم و سرکوب مبارزات آنها، زیر اسم "مبارزه با تروریسم" بیش از هر زمان دیگری به جنگ و تجاوز گری و در نتیجه تولید و فروش سلاح های مهیب و در همین راستا توسعه میلیتاریزم برای تشدید کنترل بر حیات و هستی کارگران و زحمتکشان روی آورده اند. در چنین شرایطی ست که رژیم جمهوری اسلامی و بطور اخص دولت احمدی نژاد منفور نقش یک چماق برای توجیه و تسهیل این سیاست امپریالیستی را برعهده گرفته است.

امروز با گذشت بیش از ۲ دهه از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، وابستگی تا مغز استخوان این رژیم به نظام سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) واقعیتی ست که پراتیک اجتماعی و تجارب زندگی واقعی توده ها بیش از هر زمان دیگری بر آن مهر تأیید زده است. جمهوری اسلامی رژیمی

صفحه ۲

تایید اخراج کارگران هفت تپه. ننگ دیگری برای حکومت

اخراج ۴ تن از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه بار دیگر ماهیت بغایت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و سیستم ارتجاعی حاکم را به نمایش گذارده است. در اوایل مهر ماه جاری هیات باصلاح حل اختلاف اداره کار شهر شوش، با بیشرمی تمام رای کارفرما مبنی بر اخراج ۴ تن از کارگران فعال در مبارزات صنفی این کارخانه را تأیید کرد. این چهار کارگر به نامهای فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر بدون هیچ دلیل قانونی و صرفا به علت فعالیت برای تامین حقوق انسانی کارگران، توسط مدیران شرکت اخراج شده بودند و پرونده به ارگان ضد کارگری موسوم به "هیات حل اختلاف اداره کار" ارجاع شده بود. اما این هیات ضد کارگری نیز که اساسا نقش یکی از جمافهای سرکوب سرمایه داران بر علیه کارگران را بازی می کند در باصلاح بررسی پرونده، رای کارفرما را تأیید کرد. کارگران به جان آمده نیشکر هفت تپه در سالهای اخیر درگیر یک مبارزه طولانی با سرمایه داران زالو صفت صاحب کارخانه و مقامهای حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی برای حفظ شغل و تامین حداقل حقوق صنفی شان بوده اند. تاحال حاضر، مبارزات کارگران این کارخانه جز سرکوب وحشیانه و بگیر و ببند و اخراج کارگران مبارز از سوی دیکتاتوری حاکم پاسخی نکرفته و حکم ضد خلقی اخیر در اخراج ۴ فعال کارگری این کارخانه نیز نمونه دیگری از این واقعیت را به نمایش می گذارد. اقدام ضد کارگری اخیر در حق کارگران نیشکر هفت تپه نشان می دهد که مبارزات طبقه کارگر ایران حتی برای تحقق کوچکترین حقوق صنفی اش با مانع یک دیکتاتوری عریان و لجام گسیخته روبروست که تمام ارگانها و ابزارهای قانونی خود را نیز در خدمت دفاع از منافع استثمارگران حاکم بر علیه کارگران به کار گرفته است. این رژیم کوچکترین روزنه ای برای احقاق حقوق بدیهی کارگران در سیستم ضد خلقی حاکم باقی نگذاشته است.



چگونه شعارهای "ضد آمریکایی" در خدمت... از صفحه ۱

با در نظر گرفتن چنین واقعیاتی ست که ما شاهدیم دولت احمدی نژاد مزدور نیز در طول ۶ سال گذشته در حالی که ظاهراً پرحرارت تر از هر دولت دیگری ظاهراً به جنگ زرگری با آمریکا و شرکا پرداخته، در همان حال در عمل با تمام قوا و باز هم بیش از هر دولت دیگری در جمهوری اسلامی در حال ایفای نقش و جاده صاف کنی برای سرمایه داران جهانی و دول امپریالیستی در ایران و سطح منطقه بوده است. یکی از نمونه های تازه این واقعیت را می توان در زمینه تشدید رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه و منافع امپریالیستها از این روند دید.

اخیراً خبرگزاریها از انعقاد یک رشته قراردادهای کلان نظامی بین امپریالیسم آمریکا با دولتهای مزدور و فاسد خلیج فارس خبر دادند که در دهه های اخیر بی سابقه بوده است.

مطابق گزارشات خبرگزاریها و از جمله روزنامه "فاینانشیال تایمز" دولتهای عربستان، امارات متحده عربی، عمان و کویت در صد عقد قراردادهایی برای خرید تسلیحات به ارزش تقریباً بین ۱۲۱ تا ۱۲۶ میلیارد دلار با آمریکا هستند که از آن به عنوان "نعمتی" برای صنایع تسلیحاتی آمریکا و اقتصاد بحرانی این کشور نام برده شده است. مطابق این گزارشات دولت سرسپرده عربستان به تنهایی حدود ۶۷ میلیارد دلار به آمریکا سفارش اسلحه داده و امارات نیز بین ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار. دولتهای عمان و کویت نیز در ۴ سال آینده در صد دریافت ۱۲ میلیارد و ۷ میلیارد دلار تجهیزات نظامی از آمریکا برای خود هستند. و تمامی این قراردادهای نجومی با توجیه "خطر" جمهوری اسلامی و امکان دستیابی آن به "اسلحه هسته ای" صورت گرفته است.

در توجیه عقد این قراردادهاست که دولت آمریکا در سالهای اخیر چندین بار و در فرصتهای مختلف در مقابل "اخم" کردن سایر رقبای امپریالیستش که او را گاه و بیگاه به "یکجانبه نگری" و تلاش برای ایجاد "انحصار" در بازارهای جهانی منعم می کنند، با نشان دادن جمهوری اسلامی و خطر "جاه طلبی های هسته ای" آن

مطرح کرده که "نمی توان برای عربستان و کویت و مردم امارات متحده عربی که همه نگرانی موجه از ایران دارند قدغن کرد که اسلحه بخرند مگر اینکه آماده باشیم مجموعه دفاعی بزرگی در اختیار آنها بگذاریم" (سخنان هیلاری کلینتون در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۸)

البته در طول یکسال گذشته هیلاری کلینتون وزیر خارجه دولت اوباما، پا را از این حد نیز فراتر گذاشت و با دادن چراغ سبز به رژیمهای مزدور منطقه مطرح کرد که برای "دفاع" از عربستان و امارات متحده عربی و کویت در "مقابل ایران" استفاده از "اسلحه هسته ای" را هم منتفی نمی داند و آمریکا حاضر است که در صورت دستیابی جمهوری اسلامی به اسلحه هسته ای کشورهای همسایه را نیز به این سلاح مجهز کند. واضح است که این امر در صورت تحقق به معنای بالا رفتن سودهای میلیارد دلاری برای صنایع نظامی آمریکا و اقتصاد بحران زده این کشور و از آن مهمتر بالاتر رفتن هزینه مسابقه تسلیحاتی مرگبار به قیمت تشدید فقر و بدبختی توده ها در بازاری به وسعت خاورمیانه است. خاور میانه ای که به برکت وجود رژیمهای وابسته به امپریالیسمی نظیر جمهوری اسلامی در سراسر آن، هر چه سریعتر به یک انبار بزرگ و بزرگتر باروت بر علیه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم این منطقه تبدیل می شود. برآستی آیا بدون وجود و نقش آفرینی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، امپریالیستها هیچگاه قادر بودند که برنامه توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خود بر علیه خلقهای تحت ستم منطقه را در این ابعاد و سرعت به پیش ببرند!؟

این سیاستهای جمهوری اسلامی ست که انعقاد قراردادهای نجومی تسلیحاتی در منطقه بین امپریالیسم آمریکا و سایر راهزنان بین المللی با رژیمهای وابسته و فاسد را زیر عنوان ایران به مثابه بزرگترین "خطر" نظامی، توجیه می کند. این جمهوری اسلامی ست که هر جا که نیاز بوده با فریادشعارهای توخالی "ضد صهیونیستی" و "ضد آمریکایی" اش باعث تشدید بحران و رونق بی سابقه بازار فروش و صدور سلاح به خاورمیانه و منطقه گردیده است.

این جمهوری اسلامی ضد خلقی ست که به مثابه یک عامل اساسی، توجیه گر تداوم حضور نظامی ارتش تجاوزگر آمریکا بر جان و مال خلقهای تحت ستم منطقه است. و بالاخره به برکت رژیم مزدور و ضد خلقی جمهوری اسلامی ست که امپریالیستها بخود جرات داده و از تبدیل خاورمیانه به یک بازار پر رونق میلیاردها

دلاری برای فروش سلاح های مخوف هسته ای صحبت می کنند.

آیا با اتکاء به این واقعیات، عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نشان نمی دهد که این رژیم وابسته و ضد خلقی در حقیقت در چارچوب نقشی گام بر می دارد که در تقسیم کار بین المللی در زنجیره نظام امپریالیستی برای پیشبرد و تامین هر چه بهتر منافع گردانندگان این نظام به آن سپرده شده است؟ آیا با اندکی توجه به واقعیاتی که شرح داده شد، سخت است که رابطه بین شعارهای پوچ ضد آمریکایی احمدی نژاد و منافع پیکران امپریالیسم آمریکا این سردسته غارتگران و راهزنان بین المللی را فهمید و نقش حیاتی این رژیم در پیشبرد نقشه های کنونی آمریکا در خاورمیانه را دید؟ آیا سخت است که بفهمیم درست بدلیل ایفای چنین نقش جنایتکارانه ای ست که آمریکا و شرکا نیز برغم تمامی شعارهای "آزادیخواهانه" و "دمکراسی" طلبانه و اشک تمساح ریختن برای جنبش اعتراضی مردم ما بر علیه جمهوری اسلامی، با تمام قوا به حفظ این رژیم کمر بسته اند؟ و چرا تا جایی که توان داشته باشند می کوشند همچون سی و یک سال گذشته این رژیم را از آماج خشم انقلابی کارگران و زحمتکشان و گرسنگان ما حفظ کنند؟

امپریالیستها برای پیشبرد و تامین منافع غارتگرانه خود به رژیمهای وابسته ای نظیر جمهوری اسلامی نیاز دارند و اگر چنین نیاز و حمایت ناشی از آن نیاز در پشت این رژیم ضد خلقی نبود جنبش اعتراضی توده های تحت ستم ما تا کنون بارها با خشم و نفرت انقلابی اش جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ سپرده بود. تداوم بقا و حیات جمهوری اسلامی از همان اولین روز حیات این رژیم با منافع غارتگرانه امپریالیسم گره خورده است و بدون نابودی همزمان هر دو امکان نیل به آزادی و دمکراسی واقعی در کشور ما مهیا نخواهد شد.

این واقعیات برای تمام نیروهای آگاه و مبارزی که با شناخت صحیح از ماهیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر علیه آن مبارزه می کنند، انگیزه ای برای تشدید مبارزه برای بر افکندن تمامیت این حکومت و از آن مهمتر محو همیشگی سلطه اربابان آن بر جان و مال توده هاست.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران!



پرداختند. در ۱۴ سپتامبر نیز بیش از ۳ میلیون نفر در شهرهای مختلف به تظاهرات برعلیه اقدامات دولت پرداختند. در همبستگی با کولی ها ی فرانسه تعداد زیادی از " کولی " های ساکن رومانی نیز در مقابل سفارت فرانسه در بخارست (پایتخت رومانی) به تظاهرات پرداختند.

دولت فرانسه به دنبال بحران مالی اخیر با دامن زدن به فرهنگ ارتجاعی نژادپرستانه و همینطور با تکیه ریاکارانه بر "حکومت قانون"، مذبحخانه برای جلب حمایت عقب مانده ترین اقشار جامعه از سیاست های دست راستی خود تلاش می کند. به همین دلیل هم این دولت رفتار سرکوبگرانه خود برعلیه " کولی " ها را منطبق با قوانین رایج کشور جا می رند. به عنوان مثال، سارکوزی در سخنرانی ۳۰ جولای خود در شهر "گرنوبل" فرانسه، با دستاویز قرار دادن شورش هایی که پس از کشته شدن یک کولی به نام "کریم بودودا" به دست پلیس در یکی از روستاهای اطراف گرنوبل صورت گرفت، ادعا کرد که "دولت از نظر قانونی قادر است که حق شهروندی کسانی را که مرتکب جرمی میشوند سلب کرده و آنها را از فرانسه اخراج کند." درصورتیکه برخلاف این ادعای دروغ سارکوزی، قانون اساسی فرانسه و اتحادیه اروپا همه شهروندان کشورهای اروپایی را علیرغم تفاوت های ملی و نژادی آنها، در برابر قانون برابر دانسته و حق شهروندی آنها را بطور مساوی تضمین میکنند. طبق این قوانین، اگر یک " کولی " شهروند یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مرتکب جرمی شود، باید با او در چهارچوب قوانین مدنی آن کشور برخورد شود، نه اینکه به عنوان یک پناهنده غیرقانونی به کشور دیگری فرستاده شود.

طبق قوانین اتحادیه اروپا، کولی ها میتوانند به عنوان شهروندان اروپا با آزادی کامل در سراسر این قاره تردد کنند و در صورت توانایی مالی برای تأمین نیازهای اولیه خود، اجازه دارند در هر کشور اروپایی که مایل باشند زندگی کنند. بنابراین ادعای های رئیس جمهور فرانسه جهت توجیه سیاستهای ضد مردمی خود دروغی بیش نبود که بطور طبیعی تنها خشم و نفرت مردم را علیه دولت بر می انگیزد.

در واقع اعتراضات پر شکوه اخیر کارگران و

اما دولت امپریالیستی فرانسه بنا بر منافع طبقه حاکم در شرایط بحران کنونی سرمایه داری، از اقلیت " کولی " به عنوان بز بلاگردانی برای سرپوش نهادن بر ریشه نابسامانی های روزافزون اقتصادی-اجتماعی استفاده کرده و با زیرپا گذاشتن قوانین شهروندی، با توسل به اعمال زور توسط نیروی پلیس، حق شهروندی مردم " کولی " را از آنها سلب نموده و آنها را به کشورهای بلوک شرق سابق دیپورت می کند. دولت فرانسه شورش های خیابانی ای که پس از کشته شدن "لواچی دکوانه"، جوان کولی ای که در ۱۷ جولای در ایستگاه بازرسی شهرک "سنت اگنان" توسط پلیس کشته شد، را دستاویزی برای توسل به نژادپرستی و تشدید سرکوب های سیستماتیک برعلیه " کولی " ها قرار داده است در حالیکه خود آن اعتراضات واکنشی بود به وحشیگری های دولت بر علیه ساکنین کشور.

در شرایطی که اقلیت "کولی" همیشه بطور سیستماتیک با فقر و بیکاری و بی خانمانی و تعقیب و اذیت و آزار دولت و حتی بعضی از ناآگاهان جامعه روبرو بوده و هست، پلیس فرانسه باز با بی رحمی به محل زندگی آنها حمله کرده و تلاش نمود با تهدید و زور بی رحمانه آنها را دستگیر و دیپورت نماید. آنها در این حمله، مردها و زنان و کودکان وحشت زده را از هم جدا کرده و زنان را تهدید میکردند که در صورت عدم تسلیم به دستورات پلیس، فرزندانشان از آنها گرفته شده و به پرورشگاه تحویل داده خواهند شد.

انتشار اخبار اینگونه رفتارهای فاشیستی پلیس، خشم و نفرت مردم فرانسه را برانگیخته است. اما توجه به این که اتحادیه ها و سازمانهای مترقی کارگری و دانشجویی و طرفداران حقوق پناهندگان، دولت فرانسه را در صورت ادامه خشونت و دیپورت ها و پایمال نمودن حقوق شهروندی به اعتصابات گسترده تهدید کردند، در همین رابطه تظاهرات گسترده ای بر علیه سیاست های نژادپرستانه دولت و خشونت وحشیانه پلیس در شهرهای مختلف انجام شد. در روز شنبه ۲۸ آگوست صد هزار نفر در ۱۴۰ شهر فرانسه در اعتراض به سیاستهای ضد مردمی دولت سارکوزی به تظاهرات

ایران و ترکیه: توسعه همکاری در امر سرکوب!

رژیمهای ضد خلقی ایران و ترکیه در صد گسترش همکاریهای امنیتی خود هستند. این خبر را وزیر کشور ترکیه "بشیر آتالای" در آستانه سفر به منامه پایتخت بحرین برای شرکت در "کنفرانس" کشورهای همسایه عراق آشکار کرد. وی ضمن "تقدیر" از همکاریهای امنیتی بین دو دولت، مطرح کرد که "درحاشیه" کنفرانس منامه، در صد دیدار با وزیر کشور جمهوری اسلامی حول "همکاری در مبارزه با تروریسم" است.

این اظهارات در شرایطی عنوان می شود که رژیمهای ایران و ترکیه به مثابه دو حکومت سرکوبگر و ضد خلقی، از دیرباز در زمینه سرکوب مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی خلقهای تحت ستم هر دو کشور دارای وسیعترین همکاریهای امنیتی رسمی و یا اعلام نشده بوده اند. همکاری در شناسایی و دستگیری مخالفین دو رژیم توسط هر دو رژیم ایران و ترکیه و کمک به دستگاه های امنیتی کشور همسایه در اقدامات تروریستی بر علیه مخالفان در خاک دو کشور از زمره این همکاریها بوده است.

در همین چارچوب دولت ترکیه بویژه از زمان روی کار آمدن احزاب وابسته اسلامی در دولت این کشور، فشارهای خود بر روی هزاران تن از پناهجویان ایرانی در ترکیه را افزایش داده و در موارد متعددی پناهجویان و مخالفین جمهوری اسلامی را با سببیت تمام به مزدوران جمهوری اسلامی تحویل و آنها را در معرض شکنجه و زندان و مرگ قرار داده است. گسترش همکاریهای امنیتی بین رژیمهای سرکوبگر ترکیه و جمهوری اسلامی انعکاسی از تشدید تلاش ضد انقلابی این رژیمها در مقابل مبارزات مردم به جان آمده است.

دانشجویان و آزادیخواهان این کشور پاسخ مردم فرانسه به دولتی است که به هر وسیله ای متوسل می شود تا بار بحرانهای نظام ظالمانه حاکم را هر چه بیشتر بر دوش مردم ستمدیده سرشکن نماید.

جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق!



"کولی" ها قربانیان قرن ها ستم طبقاتی!

در چند ماه گذشته، حلبی آبادهای محل سکونت اقلیت دردمند و آواره "کولی" ها در فرانسه، بطور مدام مورد هجوم پلیس فرانسه قرار گرفته است. از جولای ۲۰۱۰ که دولت این کشور به شکلی خشونت آمیز، حملات گسترده ای را به سرپناه های فقیرانه "کولی" ها شکل داده هر روز بازداشت آنها در شهرهای مختلف ادامه داشته است. پلیس بدون اخطار قبلی به حلبی آبادهای محل سکنا کولی ها هجوم برده و ساکنینشان را به زور به داخل اتومبیل های پلیس انداخته و به بازداشتگاه میفرستد که پس از انگشت نگاری و تشکیل پرونده به کشور بلغارستان و رومانی (که زادگاه نیاکان آنها محسوب میشوند) دیپورت شوند. برای نمونه تنها در روز ۱۹ آگوست، ۹۳ نفر "کولی" در دو هواپیما از شهر پاریس و "لیون" به بوداپست (پایتخت رومانی) فرستاده شدند. روزهای بعد نیز صدها تن دیگر به شیوه مشابه دیپورت شدند. اکثر این افراد هیچگاه ساکن رومانی نبوده و کسی را در آنجا نمی شناسند. این دیپورت ها در حالی صورت می گیرد که دولت رومانی و کشورهای مشابه نیز هیچگونه کمکی به "کولی" ها نمی کنند و برعکس به انحاء مختلف محدودیت ها و مشکلات گوناگونی برای آنها ایجاد میکنند.

دولت سارکوزی به دلیل سیاستهای ضدکارگری خود و کاهش حقوق ها و خدمات عمومی، و همچنین به دلیل شرکت در جنگ امپریالیستی در افغانستان، و بخصوص در پی افشای رشوه گیری های وزرای دولت از میلیونری به نام "لیلیان بتنکورت" (۱) (در ازای بخشودگی مالیاتی) شدیداً مورد نفرت اکثریت جامعه قرار گرفته است. در نتیجه، وی با کمک رسانه های دست راستی شدیداً در تلاش است که با دامن زدن به نژادپرستی و برجسته کردن مسئله "کولی" ها توجه جامعه را از نابسامانی های اقتصادی- اجتماعی ناشی از بحران نظام سرمایه داری و سیاستهای ضد مردمی دولت در این رابطه منحرف کرده و "کولی" ها را به عنوان عامل بحرانها و نابسامانی های موجود معرفی کند. به عنوان مثال اینطور تبلیغ می شود که گویا حلبی آبادهایی که "کولی" ها ساکن آن هستند، محلی برای قاچاق مواد مخدر، استثمار کودکان و استفاده از آنها در گدایی و قاچاق و تن فروشی و ... می باشد. درصورتیکه این ادعا با واقعیات موجود و آمار منتشر شده در تضاد هستند. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط گروه های فرانسوی مدافع حقوق پناهندگان، گدایی، دزدی و قاچاق مواد مخدر و جرایمی از اینگونه در میان "کولی" ها (و دیگر پناهندگان) بیشتر از بقیه جامعه نیست و درواقع جزء مسائل حاشیه ای آنها قرار دارد.

از سوی دیگر طبق آمار رسمی دولت فرانسه، فقط ۱۵ هزار نفر از ۴۰۰ هزار نفر کولی ساکن فرانسه (از ۶۵ میلیون نفر کل جمعیت این کشور) را "کولی" های غیرفرانسوی تشکیل می دهند. یعنی بیش از ۹۶ درصد از کولی ها شهروند قانونی فرانسه هستند. نسل جدید "کولی" ها نیز همگی در فرانسه به دنیا آمده و بزرگ شده و شهروندان قانونی این کشور محسوب میشوند.

صفحه ۳

آمریکا و تلاش برای تنگ تر کردن

دایره تحریمهای نفتی!

در ادامه تحریمهایی که توسط دولتهای غربی بر علیه جمهوری اسلامی اعلام شده، رادیو آلمان به نقل از وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که ۷ شرکت بزرگ نفتی تصمیم به "قطع فعالیت" های خود در ایران گرفته اند. مطابق این گزارشات بدلیل "تهدیدات" آمریکا مبنی بر تحریم این شرکتها در بازار آمریکا، مقامات کمپانی های مزبور تصمیم گرفته اند که از هر گونه "سرمایه گذاری" در بازار انرژی ایران "خودداری" کنند. در گزارش این رادیو نام شرکتها مزبور "نوتال" فرانسه، "انی" ایتالیا، "شل" از بریتانیا و هلند و سرانجام "استات اوپل" نروژ اعلام شده است. این شرکتها از بزرگترین طرفهای قراردادهای نفت و انرژی با جمهوری اسلامی در طول ۲ دهه گذشته بوده اند که از آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی، قراردادهای کلانی با رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی داشته اند و پیش از این نیز با استفاده از فضای ناشی از اعلام تحریمهای نفتی از سوی دولت آمریکا، با استفاده از شرایط پیشنهادی سهلتر و چپاولگرانه تری نسبت به استانداردهای بین المللی، چتر عارت خود را بر منابع ملی کشور مافکنده بودند. مقامات آمریکایی در تلاش اند تا با توجیه تصویب قطعنامه های بین المللی تحریم ایران، به تجدید تقسیم بازار ایران به نفع خود مبادرت کرده و با اعمال فشار به رقبایش آنها را مجبور به ترک بازار ایران بکنند. اکنون تحت تاثیر سیاست آمریکا، این شرکتها سرانجام اعلام کرده اند که به فعالیتهای خود در بازار انرژی ایران پایان خواهند داد.

شایان ذکر است که مقامات دولت آمریکا با "استقبال" از این تصمیم اعلام کرده اند که با توجه به تصمیم شرکتها نامبرده، کمپانی های مزبور در بازار آمریکا (جایی که این شرکتها سهم قابل توجهی دارند) تحت "تحریم" قرار نخواهند گرفت. اخیراً بدنبال تلاشهای مقامات آمریکایی، شرکتی از ترکیه، کویت، روسیه و هند که در بازار نفت و بنزین ایران فعال بوده اند به لیست تحریم کنندگان پیوسته و شرکت بزرگ ژاپنی "اینیکس" که در حال سرمایه گذاری برای اکتشاف در منطقه عظیم نفتی آزادگان است اعلام کرده که قصد "پایان" همکاری با جمهوری اسلامی در این پروژه را دارد.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdeghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: ipfq@hotmail.com

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

